

رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی

حسین تولائی*، حسن رفیعی**، اکبر بیگلریان***

طرح مسأله: مشکلات اجتماعی مانع تحقق توسعه اجتماعی می‌شوند - یا دست کم روند دستیابی به آن را به تأخیر می‌اندازند. یکی از این مشکلات اجتماعی، کار کودکان است. فقر در ایجاد و تداوم این پدیده نقشی اساسی ایفا می‌کند. در این پژوهش ضمن پرداختن به تأثیر عامل فقر، قصد داریم نسبت همبستگی کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی را تعیین کنیم.

روش: این مطالعه تحلیلی با روش گروهی تقاطعی یا قطری (*cross-lagged panel study*) انجام شده است. ۳۴ کشور در سطوح مختلف توسعه که آمارهای مربوط به میزان کار کودک و شاخص توسعه اجتماعی آن‌ها در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ موجود بود، انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی تقاطعی و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ با مقدار شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶ و نیز مقدار شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۰ با میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶ ارتباط منفی دارند، ولی تفاوت این دو همبستگی (به ترتیب $-۰/۷۸$ و $-۰/۸۷$) معنادار نیست. **نتایج:** کار کودک و توسعه اجتماعی ارتباط متقابل دارند اما جهت رابطه علیت میان آن دو همچنان نامعلوم است.

کلید واژه‌ها: توسعه اجتماعی، رفاه اجتماعی، فقر، کار کودک

تاریخ پذیرش: ۱۳/۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۷/۱/۱۹

* کارشناس ارشد رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <hossein.tavallae@gmail.com>

** روانپزشک، عضو هیأت علمی گروه مدیریت رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** دکتری آمار حیاتی، عضو هیأت علمی گروه آمار حیاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

مقدمه

در بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر ۱۹۶۱ پیشنهاد شد که دهه ۱۹۶۰ به عنوان اولین دهه توسعه مورد توجه قرار گیرد. در ابتدا توسعه صرفاً معنای اقتصادی داشت و جنبه‌های اجتماعی آن مطرح نبود. با توجه به تعاریف متعددی که از سوی صاحب‌نظران علوم اجتماعی برای توسعه اجتماعی^۱ ارائه شده است، درمی‌یابیم که ارتقاء کیفیت زندگی مردم، هدف اصلی توسعه اجتماعی است (اجلاس جهانی توسعه اجتماعی، کپنهاگ ۱۹۹۵، به نقل از پیران، ۱۳۸۲) و باید در کانون توجه مدیران و تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان هر کشور قرار گیرد. از سوی دیگر در هر جامعه‌ای با پدیده مشکلات اجتماعی^۲ روبه‌رو هستیم که به نظر می‌رسد بر تحقق توسعه و رفاه اجتماعی تاثیرگذار است. فقر، بی‌خانمانی، اعتیاد، پدیده کودکان خیابانی، روسپیگری، بیکاری، فرار دختران از خانه، ترافیک، آلودگی محیط زیست،... و کار کودک^۳ که در این پژوهش بررسی می‌شوند، از جمله مشکلاتی هستند که تهدیدی جدی به ویژه برای جوامع در حال توسعه به شمار می‌روند و می‌توانند روند توسعه و رفاه اجتماعی را متوقف کنند یا دست‌کم به تأخیر اندازند.

در یک برداشت کلی می‌توان گفت توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه و بیانگر کیفیت نظام اجتماعی در جهت دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، و افزایش کیفیت زندگی است (رفیعی و دیگران ۱۳۸۰). در حالی که مشکلات اجتماعی در مسیر دستیابی به آرمان‌های فوق مانع ایجاد می‌کنند. مرتون معتقد است که به‌طور کلی یک مشکل اجتماعی زمانی بروز می‌کند که میان آنچه در جامعه هست و آنچه مردم می‌پندارند باید باشد، اختلاف اساسی وجود داشته باشد (مرتون، ۱۳۸۵). مشکلات اجتماعی در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، یعنی بین وضع

1. Social Development
2. Social Problems
3. Child labour

موجود و وضع مطلوب قرار می‌گیرند و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب‌ها می‌شوند (عبداللهی، ۱۳۸۳). کار کودک نیز به عنوان یک مشکل اجتماعی و لذا مانعی برای توسعه و رفاه اجتماعی درخور توجه است. گزارش‌های ILO «سازمان بین‌المللی کار» و مطالعات محققان نشان داده است که هرچه سطح توسعه‌یافتگی بالاتر باشد، کار کودکان کمتر است (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۵).

سؤال این است که آیا این احتمال وجود دارد کار کودک به عنوان یک مشکل اجتماعی مانعی برای تحقق توسعه و رفاه اجتماعی محسوب شود و یا دست کم روند دستیابی به آن را به تاخیر بیندازد یا برعکس، عدم تحقق توسعه و رفاه اجتماعی است که کار کودک را به دنبال دارد؟ به بیان دیگر در این پژوهش به دنبال این هستیم که نسبت ارتباط میان کار کودک و توسعه اجتماعی را تعیین کنیم.

۱) سوابق پژوهشی

به طور کلی، کار کودک به کاری گفته می‌شود که بچه‌ها را از دنیای کودکی و قدر و منزلت انسانی محروم می‌کند و برای رشد و تکامل ذهنی و جسمی آن‌ها مضر است. سازمان بین‌المللی کار (ILO) کار کودک را به کاری اطلاق می‌کند که:

۱) از نظر ذهنی، جسمی، اجتماعی یا اخلاقی برای بچه‌ها آسیب‌رسان و خطرناک است

۲) به سه شکل زیر با تحصیل و فرآیند آموزشی آن‌ها تداخل دارد:

- محرومیت از فرصت حضور در مدرسه

- اجبار برای ترک تحصیل

- اجبار به انجام کارهای سنگین و طولانی علاوه بر حضور در مدرسه

یونیسف در گزارش‌های سالانه خود با عنوان «وضع کودکان جهان» بخش ویژه‌ای به نام محافظت از بچه‌ها دارد که در آن آمار کودکان مشغول به کار را به تفکیک سن و جنس در بیشتر کشورهای جهان (کشورهایی که آمار رسمی کودکان کار آن‌ها از سوی دولت منتشر شده و در دسترس است)، اعلام می‌کند. در همین گزارش‌ها کودکان مشمول «کار

کودک» از نظر سن و ساعات کاری به دو دسته زیر تقسیم شده‌اند:

۱) کودکان ۵-۱۱ ساله‌ای که در طی یک هفته حداقل یک ساعت فعالیت اقتصادی یا حداقل ۲۸ ساعت کار خانگی انجام می‌دهند.

۲) کودکان ۱۲-۱۴ ساله‌ای که در طی یک هفته حداقل ۱۴ ساعت فعالیت اقتصادی دارند یا حداقل ۴۲ ساعت فعالیت اقتصادی همراه با کار خانگی انجام می‌دهند (www.childinfo.com).

کار کودک برخلاف آنچه اغلب به نظر می‌رسد، فقط مشکل کشورهای در حال توسعه نیست. کودکان کار در تمام مناطق جهان یافت می‌شوند. با این همه نظام‌های اقتصادی توسعه‌یافته و نظام‌های اقتصادی در حال گذار کمترین تعداد کل کارگران کودک را دارند (Hilowitz, Kooijmans, Matz, Dorman, De Kock, & Alectus, 2004:2) بیشتر تحقیقات انجام شده، فقر را مهم‌ترین دلیل کار کودکان اعلام کرده‌اند.

سازمان بین‌المللی کار، دلایل ورود کودکان به عرصه کار را از زاویه عرضه و تقاضا بررسی می‌کند. در میان عوامل مربوط به عرضه، «فقر» مهم‌ترین عاملی است که کودکان را وادار به کار کردن می‌کند، زیرا درآمد حاصل از کار کودک برای زندگی او و خانواده‌اش ضروری است (وامقی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

در این دیدگاه، که بیشتر اقتصادی به نظر می‌رسد، منشاء عوامل عرضه، خانواده است که به دلیل قرارگرفتن در وضعیت فقر مجبور به فرستادن فرزندان به محیط کار و کسب درآمد می‌شود. عوامل تقاضا از تمایل کارفرمایان برای کار کودکان سرچشمه می‌گیرد. زیرا کودکان نسبت به بزرگسالان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند، فرمان‌بردارترند و ویژگی‌های فیزیکی ممتازی دارند. (برای مثال در فرشبافی، گل‌چینی، معادن طلا و الماس از کودکان به دلیل دارابودن انگشت‌های ظریف و چالاک استفاده می‌کنند).

از دیدگاهی جامع‌تر، علل کار کودک به سه دسته کلی زیر تقسیم می‌شود که سازمان بین‌المللی کار در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌ای بدون کار کودک» به آن‌ها اشاره کرده است:

الف) علل بی‌واسطه: کمبود یا نداشتن پول یا غذا، افزایش قیمت کالاهای اساسی،

مقروض بودن خانواده‌ها، شوک‌های خانوادگی؛ مرگ یا بیماری سرپرست خانواده، کمبود برداشت محصول، نبود مدرسه یا وجود مدارس با کیفیت ضعیف یا مواد درسی نامربوط، تقاضا برای کارگر ارزان در کارگاه‌های کوچک غیررسمی، عدم توازن کسب و کار یا درآمد مزرعه خانوادگی با هزینه نیروی کار.

ب) علل نهفته: از هم‌پاشیدگی خانواده‌های گسترده و سیستم‌های حمایت اجتماعی غیررسمی، والدین بی‌سواد یا کم‌سواد، میزان باروری بالا، انتظارات فرهنگی از کودکان در رابطه با کار و آموزش، دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز براساس: جنسیت، طبقه (کاست)، قومیت، ملیت، مذهب، نژاد و ...، طرز تلقی از فقر، آرزو برای مصرف کالا و استانداردهای زندگی بهتر، احساس فشار کودکان از سوی خانواده‌هایشان و افراد فقیر از سوی ثروتمندان.

ج) علل ساختاری: کاهش درآمد ملی، نابرابری بین ملیت‌ها و مناطق مختلف و وضعیت نامطلوب تجارت (کسب و کار)، شوک‌های اجتماعی مثل جنگ، بحران‌های مالی و اقتصادی، مهاجرت و ایدز (HIV)، تعهدات سیاسی یا مالی ناکافی برای آموزش خدمات اساسی و حمایت اجتماعی، حکمرانی بد (ضعیف)، محرومیت اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای و یا کمبود قانونمندی و یا عدم تقویت موثر آن، کمبود کار شایسته برای بزرگسالان (ILO,2002:87).

حتی نگاهی گذرا به فهرست فوق نشان می‌دهد که همه این علل به طور مستقیم یا غیرمستقیم با فقر در ارتباط‌اند.

تحقیق دیگری به بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان در حال توسعه پرداخت و مشخص شد که آزمون فرضیه با بهره‌گیری از ضریب همبستگی، نشان‌دهنده ارتباط معکوس میان کار کودک و شاخص توسعه انسانی در کشورهاست. به سخن دیگر، هرچه سطح توسعه‌یافتگی بالاتر باشد، میزان کار کودکان کمتر است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۵).

۱-۱) کار کودک در ایران

۱-۱-۲) قوانین مربوط به کار کودک در ایران

در ایران اولین قانون مربوط به کار کودکان مربوط به سال ۱۳۰۲ است. این قانون از سوی والی ایالات کرمان و بلوچستان برای حمایت از کودکان و نوجوانان شاغل در کارگاه‌های قالببافی کرمان وضع شد. این قانون، کار پسران کمتر از ۸ سال و دختران کمتر از ۱۰ سال را در کارگاه‌ها ممنوع می‌کرد. هرچند که این دامنه سنی همه کودکان و نوجوانان را دربر نمی‌گیرد.

در سال ۱۳۲۵ قانونی تصویب شد که در ماده ۱۸ خود به کارگرفتن کودکان کمتر از ۱۲ سال را غیرمجاز اعلام کرد مگر در موارد کارآموزی، آن هم کمتر از ۶ ساعت. همچنین در ماده ۱۹ این قانون کار در شب برای کودکان کمتر از ۱۶ سال ممنوع اعلام شد جز در مواردی که با والدین خود کار می‌کردند. در قانون کار سال ۱۳۲۸ نیز ممنوعیت کار کودکان کمتر از ۱۲ سال، مگر در موارد کارآموزی، وجود داشت. در قانون کار سال ۱۳۳۷ حداقل سن اشتغال کودکان، ۱۲ سال در نظر گرفته شد و به کارگماردن کودکان کمتر از ۱۲ سال حتی به عنوان کارآموزی ممنوع شد. همچنین کار در شب (بین ساعت ۲۲ تا ۶ صبح) برای زنان و کارگران کمتر از ۱۸ سال، جز در مورد زنان پرستار بیمارستان‌ها و مشاغل دیگر که وزارت کار تعیین می‌کرد، ممنوع شد (صفایی و ناظم، ۱۳۸۶:۱۳۲).

۱-۱-۳) شرایط کار کودکان در قانون کار ایران

حداقل سن کار:

حداقل سن کار در ایران ۱۵ سال است. البته این قانون دو استثناء دارد: (۱) طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاه‌های خانوادگی که کارفرماهای آنها، همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک آنها باشند، مشمول قانون کار نبوده و در نتیجه حداقل سن کار در مورد چنین کارگرانی رعایت نمی‌شود.

۲) ماده ۸۴ قانون کار پیش‌بینی کرده است که در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

- مطابق قانون کار ایران، کارگری که در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می‌شود (صفایی و ناظم، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

۴-۱-۱) آمار کودکان کار در ایران

در سال ۱۹۹۹ در تهران بین ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر از کودکان با اجبار از سوی بزرگسالان مجبور بوده‌اند کارهای سخت و طاقت‌فرسا انجام دهند و به جمع‌آوری پول پردازند. قنبرپور در تحلیل وضعیت کار کودکان خیابانی در سال ۱۳۸۱ معتقد است ۴۰۰ هزار کودک زیر ۱۵ سال به کار دائمی مشغول و از تحصیل محروم هستند (حسینی، ۱۳۸۵).

با توجه به ضعف اساسی کشور در جمع‌آوری و ارائه آمار دقیق و به‌ویژه ضعف در تدوین و تخمین آمارهای مربوط به آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و ناتوانی کشور در اپیدمیولوژی و همه‌گیرشناسی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، آمارهای مذکور تقریباً فاقد اعتبارند و دسترسی به آمار دقیق تعداد کودکانی که در ایران مشمول (کار کودک) می‌شوند، بسیار مشکل است. با این همه و با توجه به آمارهای رسمی به دست آمده از سرشماری‌های نفوس و مسکن، مراجعه به سایت و انتشارات مرکز آمار ایران و نیز رجوع به پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با کار کودک در ایران می‌توان به اعداد و ارقامی تقریبی دست یافت.

در سرشماری سال ۱۳۶۵ از مجموع ۴۹۴۴۵۰۱۰ نفر جمعیت کل کشور تعداد ۱۱۷۳۷۸۸۶ نفر، کودکان ۶-۱۴ سال بوده‌اند. از این تعداد ۳۱۵۰۰۰ کودک شاغل بوده‌اند.

جدول ۱: کودکان شاغل در سال ۱۳۶۵ به تفکیک سن در ایران

کودکان ۶-۹ ساله	۳۴۰۰۰ نفر
کودکان ۱۰-۱۱ ساله	۵۳۰۰۰ نفر
کودکان ۱۲-۱۴ ساله	۲۲۸۰۰۰ نفر

منبع: (صفایی و ناظم، ۱۳۸۵:۱۳۹).

اما در سرشماری سال ۱۳۷۵ کل جمعیت کشور ۵۵۸۳۷۱۶۳ نفر بود که از این تعداد تقریباً ۴۰۰ هزار کودک کارگر ۶-۱۴ ساله بودند. در مجله جهانی کار از انتشارات ILO عنوان شده که در سال ۱۹۹۶ در ایران ۴/۷۱ درصد از جمعیت فعال اقتصادی را کودکان ۱۰-۱۴ ساله تشکیل می‌دادند (صفایی و ناظم، ۱۳۸۶:۱۳۹). البته ILO در این آمار کودکان کار ۵-۹ ساله را در نظر نگرفته است.

آمار موجود در مورد کار کودکان در سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد که حدود ۱/۳ درصد از کودکان بین سنین ۶ تا ۱۴ سال به کار اشتغال دارند و به مدرسه نمی‌روند. این رقم برای مناطق شهری حدود ۲/۴ درصد و برای مناطق روستایی ۰/۵ درصد است. تقریباً همین درصد از کودکان به مدرسه نمی‌روند، اما خارج از خانه هم به کار خاصی اشتغال ندارند و درآمد معینی را به خانه نمی‌برند. به عبارت دیگر، آنان در کار خانه به خانواده کمک می‌کنند. در مناطق روستایی، تعداد دخترانی که به مدرسه نمی‌روند و در کار خانه کمک می‌کنند ۶ برابر پسران است. اما در مناطق شهری، تعداد پسران مشغول به کار دو برابر دختران است. در مناطق روستایی، بیش از ۱۰ درصد از دختران و ۱۷ درصد از پسران بیش از ۷ ساعت در روز کار می‌کنند و در نتیجه فرصت پرداختن به هیچ‌گونه فعالیت آموزشی را ندارند. در گروه آموزشی ۱۰ تا ۱۴ سال، تعداد دخترانی که در خانه یا برای کسب درآمد مشغول به کار هستند (۵۵۴۶۴۴۲ نفر) دو برابر پسران است (۲۴۶۰۴۶ نفر). در مناطق روستایی، تعداد دختران این گروه سنی که درآمدی به خانه می‌آورند یا در خانه کار می‌کنند و به مدرسه نمی‌روند سه برابر پسران است (حسینی، ۱۳۸۵:۱۲۵).

در سرشماری سال ۱۳۸۵ نیز، ۱۸۵۲۶۸ کودک ۱۴-۱۰ سال مشغول به کار و ۷۵۰۷۱ نفر نیز در این گروه سنی جویای کار بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

فرشید یزدانی، مدیرعامل انجمن دفاع از حقوق کودکان، استان‌هایی همچون آذربایجان شرقی و غربی، گلستان، همدان، کرمان، خراسان جنوبی، رضوی و شمالی، کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان و یزد را از جمله استان‌هایی اعلام می‌کند که تعداد کودکان کارشان به نسبت تعداد متوسط کشوری آن بیشتر است. همچنین برطبق اظهارات وی کمترین تعداد کودکان کار به نسبت کل کودکان کار در ایران مربوط به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، تهران، و خوزستان است. یزدانی در مورد افزایش جمعیت کودکان کار نسبت به سال ۱۳۷۵ معتقد است که در این سال، حدود ۱۱ درصد از کودکان ۱۰ تا ۱۸ ساله کشور جزء کودکان کار بودند که این رقم با افزایش، به ۱۲/۷ درصد (یک میلیون و ۶۶۰ هزار نفر) در سال ۸۵ رسیده است (یزدانی، ۱۴:۱۳۸۸).

البته این برآورد با استناد به آمارهای ارائه شده مرکز آمار ایران در سال ۸۵ است. توضیح ضروری این‌که در قوانین مربوط به کار ایران حداقل سن کار ۱۰ سال در نظر گرفته می‌شود، در حالی که در تعریف جهانی، کار کودک مشمول سن ۵ تا ۱۴ سال است. بنابراین اگر تعداد کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال را از این آمار کم کنیم و از طرف دیگر تعداد کودکان کار ۵ تا ۹ سال را به این آمار بیفزاییم به نتیجه‌ای کم و بیش معادل همین رقم خواهیم رسید. چنان‌که سعید مدنی، فعال اجتماعی و فعال حقوق کودک، در مصاحبه با سایت دویچه وله تعداد کودکان کار ۱۴-۵ ساله ایران را در سال ۱۳۸۵ در حدود ۱۴۵۴۰۰۰ نفر اعلام کرده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۷). مرکز آمار ایران نیز در سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد کل کودکان ۱۴-۵ ساله در کشور را ۱۲۲۱۷۶۵۱ نفر گزارش کرده است. همچنین در این سرشماری تعداد کودکانی که در مدرسه ثبت‌نام نکرده‌اند (۱۴-۷ ساله‌ها)، ۱۰۲۲۷۵۵ نفر گزارش شده است. اگر این تعداد کودک را در بازار کار مشغول بدانیم و تعداد تقریبی کودکان کارگر ۷-۵ ساله را نیز به آن اضافه کنیم، بنابراین رقم مذکور (۱۴۵۴۰۰۰) منطقی به نظر می‌رسد. پس به‌طور تقریبی میزان کودکان کار ایران در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۲ درصد

است که البته در مقایسه با سال‌های گذشته، و برعکس آمارهای جهانی که کاهش کار کودک را نشان می‌دهد، افزایش یافته و بسیار نگران‌کننده است. این افزایش در تعداد کودکان کار ایران همچنان به سیر صعودی خود ادامه می‌دهد، چنان‌که بیشتر فعالان حقوق کودکان بر این مسأله توافق دارند که در حال حاضر یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک کار در کشور وجود دارد (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۷/۷/۲۰).

۲) چارچوب نظری

مفهوم کار کودکان در جهان توسعه‌یافته، از تصورات دیکنز دربارهٔ جامعه خود در داستان الیور توئیست، قرن نوزدهم، الهام گرفته است. اما شروع تحقیقات علمی دربارهٔ پدیدهٔ کار کودکان سال ۱۹۷۹ است که سازمان ملل متحد، به جهت اهتمام و توجه بیشتر به مسائل و مشکلات کودکان، این سال را سال جهانی کودک نامگذاری کرد. از این زمان به بعد ملل جهان و پیشاپیش آن‌ها ملل پیشرفته، پژوهش و تحقیق در مورد مسائل و مشکلات کودکان را آغاز کردند به گونه‌ای که تقریباً اکثر تحقیقات و پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه به بعد از این سال‌ها مربوط می‌شود.

۲-۱) تبیین‌های نظری کار کودک

براساس پژوهش‌های ILO کار کودک می‌تواند با تأثیر متقابل دلایل بی‌واسطه، زیرساختی و ساختاری تبیین شود. در سطح نظری، الگوهای متفاوتی کار کودک را نتیجهٔ رفتار خانواده، فقر، کمبود سواد و آموزش، افت در بازار کار و سرمایه بیان می‌کنند.

الف) کودکان به مثابه دارایی خانواده: نظریهٔ رفتار خانواده فرض می‌کند که خانواده به عنوان یک واحد ابتدایی است که در آن تصمیماتی دربارهٔ گذران فرزندان در محیط کار یا مدرسه گرفته می‌شود. در خانواده‌های فقیر برای تکمیل درآمد خانواده، تأمین حیات و معاش خانواده، جایگزین کردن کار دستمزدی در واحدهای خانواده و تأمین امنیت در سن پیری و ناتوانی، به کودکان توجه ویژه‌ای می‌شود. بعضی از این نظریه‌های رفتار خانواده به

باروری و تعداد فرزندان به مثابه یک متغیر تبیینی مهم در شیوع کار کودک توجه می‌کنند. بر اساس الگوی مطرح شده توسط بکر (۱۹۶۰) تعداد فرزندان/ باروری با تجزیه و تحلیل هزینه و فایده در مورد فرزندان یک خانواده تعیین می‌شود. او بحث می‌کند که «افزایش درآمد، کمیت و کیفیت بچه‌ها را افزایش می‌دهد اما برای بچه‌ها انعطاف‌پذیری کمیت تقاضا از انعطاف‌پذیری کیفیت تقاضا کمتر است.» برعکس اندازه خانواده بزرگ نیز ممکن است شیوع بالای کار کودک را توجیه کند (Srivastava, 2003:2).

ب) فرضیه فقر: بارزترین عقیده این است که کار کودک را به فقر نسبت می‌دهند و این نگرش در سطوح خانواده و کشور با هم عمل می‌کند. در سطح کشور، همبستگی بین شیوع کار کودک و سرانه GDP (تولید ناخالص داخلی) مدنظر قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۹۶ کروگر بین درآمد سرانه و مشارکت نیروی کار کودکان همبستگی منفی را ثابت کرد. بر این اساس، او کار کودک را به عنوان عامل حرکت از جایگاه کشوری کم‌درآمد به کشوری با درآمد بالا نمی‌پذیرد. از این رو توسعه اقتصادی به عدم پذیرش کار کودک منجر می‌شود. برای مثال بیشترین مشارکت نیروی کار کودکان ۱۴-۱۰ سال در فقیرترین کشورهای جهان است؛ نزدیک به ۴۹ درصد در برون‌دی و ۴۲ درصد در رواندا. در سوی مقابل، در کشورهایی با سرانه GDP (تولید ناخالص داخلی) بیش از ۵۰۰۰ دلار هیچ‌گونه شیوع کار کودک گزارش نشده است (Srivastava, 2003:2).

ج) ارتباط بین کار کودک، فقر و تحصیل / آموزش: بسیاری از نظریه‌پردازان با طرح ارتباط بین کار کودک، آموزش و فقر، تحلیل نادرستی از تبیین فقر ارائه می‌کنند. بحث اصلی آن‌ها این است که کودکان به این دلیل کار می‌کنند که بازگشت به تجربه کار دستاوردهایی بیشتر از بازگشت به مدرسه دارد و سیاست‌های اجتماعی هم بین شرایط لازم آموزشی و فرصت‌های زندگی ارتباطی ایجاد نکرده‌اند. از این رو آموزش الویت کمتری دارد. عدم رغبت سیاست‌گذاران هندی به تصویب و تحقق برنامه‌های آموزش اجباری و بی‌توجهی به ثبت‌نام پایین و میزان‌های بالای ترک تحصیل موجب شده است که هند دارای بیشترین تعداد کودکان کار در جهان باشد (Srivastava, 2003:2).

د) ناکامی بازار کار: تحقیقات انجام شده در زمینه کار کودکان به این واقعیت اشاره دارد که کار کودک به طور مستقیم به ساختار یا ناکامی های بازار کار، پدیدارشدن تفاوت دستمزد بین کار کودک و کار بزرگسالان و پایین بودن حقوق بزرگسالان مربوط می شود. در بازارهای رقابتی که دستمزدها انعطاف پذیر هستند، کار کودک به آسانی می تواند جایگزین کار بزرگسالان در بازار شود و این ممکن است به تدام کار کودک کمک کند. اگرچه دستمزدهایی که به دلیل بازدهی بیشتر به بزرگسالان داده می شود، با قوانین حداقل دستمزد و قوانین مشابه منطبق نیستند با وجود این کارگر کودک پیشنهاد مناسبی برای بازار کار نیست. الگوی توسعه یافته باسو و ون (۱۹۹۸) همبستگی منفی بین کار کودک و درآمد والدین را اصل قرار داد. در بازار کار، کار کودک علی رغم بازده پایین در مقایسه با کار بزرگسالان می تواند جایگزین آن شود که همین امر دستمزد بزرگسالان را کاهش می دهد و از این طریق کار کودک را تقویت می کند (Srivastava, 2003:2).

ه) ناکامی در بازار سرمایه: اشکالات بازار سرمایه به عنوان عوامل تعیین کننده معنی دار کار کودک ذکر می شوند. روبینسون و بلاند (۲۰۰۳) معتقدند بین کار کودک (درآمد در جریان) و انباشت سرمایه انسانی از طریق آموزش (درآمد آینده) تناسب برقرار است (Srivastava, 2003:2).

۲-۲) توسعه اجتماعی و رفاه اجتماعی

برای توسعه و رفاه تعاریف متعددی بیان شده است که البته همه آنها در یک ویژگی مشترک اند: حرکت و پیشرفت از وضع موجود به وضع مطلوب. توسعه ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... دارد که این ابعاد ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. تحقق کامل توسعه منوط به تحقق همه ابعاد آن است. توسعه فرایندی زمانبر است که تحقق آن مستلزم تغییرات وسیع در سطح کلان است؛ بنابراین هدفی نیست که در کوتاه مدت به دست بیاید.

یوستوس موزر، بنیانگذار محافظه کار تاریخ اجتماعی، از سال ۱۷۶۸ واژه توسعه را

برای اشاره به فرایند تحول تدریجی جامعه به کار برد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳). جامعه‌شناسان کلاسیک، توسعه اجتماعی را در قالب نظریه‌های کلان دگرگونی اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند و در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که جامعه چگونه دچار دگرگونی‌ها و تغییرات وسیع و گسترده می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۳۴). به نظر می‌رسد توسعه و رفاه اجتماعی دو روی یک سکه‌اند. در اهمیت رفاه و تامین اجتماعی گفته شده است که این‌ها هدف توسعه نیستند بلکه خود، توسعه محسوب می‌شوند. یعنی دولت و جامعه‌ای را می‌توانیم توسعه یافته بدانیم که سطح حداقل نیازهای ساکنانش را در زمینه مسکن، آموزش، تغذیه و بهداشت و درمان تامین کرده باشد. در سال‌های اخیر و با ظهور مفهوم توسعه اجتماعی بر اهمیت این موضوع افزوده شده است. یکی از دستاوردهای مهم دهه ۱۹۸۰ کشف این واقعیت است که بشر علاوه بر وسیله توسعه، «هدف توسعه» نیز هست. در بررسی فرایند توسعه کشورهای جهان سوم، اکنون به اثبات رسیده که کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر یکی از موانع توسعه است. چراکه نیروی انسانی متخصص توانمندی جامعه را در حل مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی بالا برده و آهنگ و قابلیت توسعه جامعه را تقویت می‌نماید (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۴۴). توجه به توسعه اجتماعی در ۲۵ سال اخیر در جهان به طور چشمگیری سیر صعودی داشته است. اولین بار منشور ملل متحد (۱۹۶۸) به جنبه‌های اجتماعی توسعه توجه نشان داد (اکبری، ۱۳۸۰: ۳۱).

پیش از این دوره، مفهوم توسعه صرفاً در حوزه اقتصاد خلاصه می‌شد و فقط افزایش درآمد سرانه و رشد وضعیت اقتصادی نماد توسعه یافتگی جوامع به شمار می‌رفت. در خلال دهه ۱۹۷۰ توسعه اقتصادی برحسب کاهش یا از بین بردن فقر، نابرابری و بیکاری در چارچوب یک اقتصاد در حال رشد مجدداً تعریف و «توزیع مجدد رشد» به شعاری عمومی شد. پروفیسور دادلی سیرز مهم‌ترین سؤال در زمینه توسعه یک کشور را چنین مطرح کرد: میزان فقر، بیکاری و نابرابری در طول یک دوره زمانی مشخص چقدر تغییر کرده است؟ چنانچه میزان فقر، بیکاری و نابرابری در طی یک دوره کم‌تر شده باشد

بدون شک کشور مورد نظر یک دوره توسعه را سپری کرده است. حال حتی اگر درآمد سرانه کشوری دوبرابر شده باشد اما سه مولفه اساسی توسعه (میزان فقر، بیکاری، نابرابری) بهبود نیافته باشد، «توسعه» ای صورت نگرفته است.

پرسش‌های کلیدی فوق به طور مستقیم با کیفیت زندگی انسان در جوامع ارتباط دارد و نشان می‌دهد که آنچه در فرایند توسعه اهمیت دارد ارتقاء وضع زندگی انسان است. این مهم در مفهوم توسعه و رفاه اجتماعی هدفی اساسی محسوب می‌شود که البته در پیوند با ابعاد دیگر توسعه تحقق می‌یابد.

بر اساس سند کپنهاگ (اجلاس بین‌المللی توسعه اجتماعی ۱۹۹۵) هدف نهایی توسعه اجتماعی بهبود کیفیت زندگی همه مردم در سرتاسر جهان اعلام گردید. در جهت تحقق این هدف کلی و با توجه به چالش‌های فراروی توسعه اجتماعی، عمل به ده اقدام اساسی تأیید شد و کشورهای امضاءکننده بیانیه متعهد به انجام این موارد شدند. ده اقدام مورد بحث تا حدود زیادی معنا و مفهوم توسعه اجتماعی و حیطه‌های مرتبط با آن را مشخص می‌کند:

- ۱) ایجاد فضای قابلیت‌زا برای توسعه اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی؛
- ۲) تلاش برای ریشه‌کنی فقر؛
- ۳) تلاش برای دستیابی به اشتغال کامل؛
- ۴) تلاش در جهت دستیابی به یکپارچگی اجتماعی؛
- ۵) اقدام برای بهبود وضع زنان و تحقق برابری جنسیتی؛
- ۶) اقدام در جهت دسترسی برابر شهروندان به آموزش و بهداشت؛
- ۷) تخصیص مناسب منابع به الویت‌های توسعه اجتماعی؛
- ۸) ادغام اهداف توسعه اجتماعی در برنامه‌های تعدیل ساختاری؛
- ۹) تلاش برای تسریع در توسعه کشورهای آفریقایی و سایر کشورهای کم‌توسعه‌یافته؛
- ۱۰) تقویت همکاری‌ها برای توسعه اجتماعی از طریق نظام ملل متحد (پیران، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

پنج سال بعد در ژوئن ۲۰۰۰ دومین اجلاس جهانی توسعه اجتماعی با عنوان «دستیابی به توسعه اجتماعی» در دنیای درحال جهانی شدن در سویس برگزار شد. این اجلاس در ادامه اجلاس سال ۱۹۹۵ محورهای توسعه اجتماعی را به طور گسترده تر مطرح کرد و بر اهداف دستیابی به توسعه اجتماعی تأکید داشت. اگرچه برخی از تعهدات اجلاس ۲۰۰۰ تأکید مجدد بر تعهدات اجلاس پیشین بود اما موارد جدیدی نیز در آن مشاهده می شود. نکته مهم این اجلاس این بود که این بار به مسئولیت دولت‌ها، مدیران و سیاست‌گذاران جوامع تأکید بیشتری می‌کرد. این تعهدات بیشتر از گذشته کمی و عملیاتی بود. از آن جمله:

- ۱) تدارک اصول سیاست اجتماعی - اقتصادی برای پاسخگویی به بحران‌های مالی؛
- ۲) تدارک دستورالعمل‌های مسئولیت‌های اجتماعی تجارت؛
- ۳) تعیین هدفی جهانی تا سال ۲۰۱۵ برای فقرزدایی نیمی مردمانی که در فقر مطلق زندگی می‌کنند؛
- ۴) تقویت رویه‌ها و نهادهایی برای گفتمان اجتماعی، در میان دیگر اقدام‌های تشویق رشد سازمان‌های جامعه مدنی و تضمین آزادی انجمن‌ها؛
- ۵) رسمیت‌دادن به تدارک برنامه عمل جهانی نوین برای دسترسی به منابع آموزشی برای سال ۲۰۱۵؛
- ۶) تقویت حمایت از فعالیت‌های مقابله با گسترش HIV/AIDS .
- ۷) تدارک دستورالعمل برای سیاست‌هایی که هدفشان گردآوری پول برای پرداختن به خدمات اجتماعی، حمایت اجتماعی و دیگر سیاست‌های اجتماعی ملی در متن جهانی شدن است؛
- ۸) هویت‌دادن به اشکال موثر تعاون بین‌المللی و هماهنگی سیاست‌های مالیاتی میان کشورها تا جایی که رقابت‌های مالیاتی را حفظ کند؛
- ۹) ابتکارهای آتی به منظور کاهش پیوسته بدهی‌های سنگین کشورهای بدهکار؛
- ۱۰) وارونه‌کردن و کاهش کمک‌های بین‌المللی برای توسعه (ODA) و تلاش برای

رسیدن به اهداف بین‌المللی مقبول چنین مساعدت‌هایی؛

(۱۱) استاندارد کردن شاخص‌های توسعه (جباری، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

مجموع مباحثی که تاکنون در زمینه توسعه اجتماعی مطرح شد به دو دیدگاه رفاه‌گرا و مارکسیست طبقه‌بندی می‌شوند:

نظریه‌پردازان دیدگاه رفاه‌گرا، توسعه اجتماعی را در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند. برای مثال، از نظر وارنر توسعه اجتماعی در فراهم کردن امکانات زندگی مردم در جامعه خلاصه می‌شود. و بر نیز در بیان اهمیت امکانات زندگی معتقد است که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربه‌های زندگی شخصی بهتر.

نگرش‌های مارکسیستی در بحث از توسعه اجتماعی رویکرد سیاسی را برگزیده‌اند و معتقد به برقراری عدالت اجتماعی و رفتارهای سیاسی مبتنی بر برابری اجتماعی از سوی دولت در جامعه هستند. برای نمونه، می‌توان به نظر دونگ‌کیم اشاره کرد که معتقد است توسعه اجتماعی میزانی از تحول در ساختار اجتماعی است که نه تنها به اکثریت محروم جامعه اجازه تقاضا برای برخورداری از سهم خود از منابع ملی را می‌دهد، بلکه در جهت رسیدن به آن نیز آن‌ها را یاری می‌کند. از نظر او اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت‌های لازم را به توده محروم برای دستیابی به سهم خود از منابع ملی در اختیار آنان قرار دهد، این مسیر، در اصل همان فرایند توسعه است. در واقع، فرایند توسعه اجتماعی از دیدگاه آنان [دیدگاه مارکسیستی] فرایندی است که در یک جامعه عاری از استعمار، استثمار اجتماعی می‌تواند تحقق یابد (ناطق‌پور، ۱۳۸۶: ۴۰).

حال سؤال این است که به منظور عملیاتی کردن توسعه و رفاه اجتماعی و برنامه‌ریزی برای تحقق آن کدامیک از دیدگاه‌های مذکور الگوی جامع‌تری ارائه می‌دهد و ابعاد توسعه اجتماعی را بهتر تبیین می‌کند؟ سهم دولت‌ها و مشارکت مردم در این میان چه اندازه است؟

علاوه بر دیدگاه‌های رفاه‌گرا و مارکسیستی، که هر دو هدف توسعه اجتماعی را تأمین

امنیت و رفاه اجتماعی می‌دانند، متفکران دیگری نیز به بررسی مفهوم توسعه اجتماعی با رویکرد تحول در توانمندی و ظرفیت اجتماعی پرداخته‌اند. پایوا از جمله کسانی است که توسعه اجتماعی را افزایش ظرفیت و توانایی مردم برای فعالیت مداوم در جهت تأمین رفاه خود و جامعه - به عنوان عامل درونی - می‌داند و توسعه و تحول نهادهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای مردم در تمام سطوح، به‌خصوص سطوح پایین به‌عنوان عامل بیرونی، را دو بعد اصلی توسعه اجتماعی تلقی می‌کند. به عبارت دیگر، از نظر پایوا زمینه‌های درونی و شرایط بیرونی دو عامل مهم در تحقق توسعه اجتماعی هستند. نکته دیگری که پایوا به آن توجه کرده است، فراهم کردن ابزارهای تأمین نیازهای اجتماعی در فرایند ارتباط بین مردم و نهادهای اجتماعی - اقتصادی و ایجاد تعادل بین نیازهای کمی و کیفی جامعه از طریق تغییر نهادهای اجتماعی و استفاده از منابع موجود در جامعه است. بنابراین، از نظر او ارتباط نزدیکی بین توسعه و عدالت اجتماعی وجود دارد. بر این اساس، هدف نهایی توسعه اجتماعی دستیابی به جامعه‌ای انسانی از طریق نهادها و سازمان‌هایی است که به‌طور مناسب پاسخگوی نیازهای مردم باشند (ناطق پور، ۱۳۸۶: ۴۱).

۲-۳) مشکلات اجتماعی؛ موانع توسعه و رفاه اجتماعی

با توجه به تعاریف و مباحث متعدد در حوزه توسعه اجتماعی، به نظر می‌رسد رفاه اجتماعی پیوندی تنگاتنگ با توسعه اجتماعی دارد و تحقق توسعه اجتماعی، راه رسیدن به رفاه اجتماعی را در جامعه هموار می‌کند؛ از سوی دیگر برنامه‌ریزی و حرکت در جهت رفاه اجتماعی، خودبه‌خود، توسعه اجتماعی را به دنبال دارد. اما دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جوامع، در کنار پیامدهای مثبت، پیامدهای منفی نیز دارند که پدیده کار کودکان یکی از آنهاست. در کشورهای درحال توسعه، به علت ناهمخوانی بافت اقتصادی - اجتماعی با پیشرفت‌ها، زنان و کودکان آسیب‌پذیرترند و زودتر و بیشتر دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند.

از دید دورکیم، سازمان اجتماعی کنونی روندهای تازه‌ای را نمایش می‌دهد که

گسترده‌تری آن‌ها باعث افزایش تنگدستی کارگران، تضادهای اجتماعی، فردگرایی زیان‌آور، آنومی‌ها و... در جهان اقتصادی امروز شده است (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۵: ۲۹۴). یکی از پیامدهای پیدایش آنومی در جهان امروز، کار کودکان به گونه‌های تازه است. جامعه برای تحقق توسعه و رفاه اجتماعی علاوه بر امکانات و تکنولوژی مدرن به نیروی انسانی متخصص و کارآمد نیز نیاز دارد. اما کودکان کار امروز نه تنها در آینده جزء جمعیت فعال جامعه به شمار نمی‌روند، بلکه باری بر دوش جامعه می‌شوند و هزینه‌هایی جبران‌ناپذیر را برای اجتماع ایجاد می‌کنند. مطالعات انجام شده در مورد موانع توسعه و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که:

مشکلات اساسی در راه توسعه اجتماعی شامل بی‌عدالتی، نابرابری، ظلم، استثمار، بیماری و گرسنگی است (ازکیا و زیارتی، ۱۳۸۰: ۴۵). به این فهرست می‌توان موارد دیگری نیز اضافه کرد، مثل فقر، بی‌خانمانی، اعتیاد، پدیده کودکان خیابانی، روسپیگری، کار کودک و...

برخی مشکلات اجتماعی در مسیر تحولات اجتماعی در راه توسعه، یعنی بین وضع موجود و وضع مطلوب، قرار می‌گیرند و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال‌مطلوب‌ها می‌شوند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۸). در این زمینه پدیده کار کودک نیز به عنوان یک مشکل اجتماعی و مانعی برای توسعه و رفاه اجتماعی درخور توجه است.

۳) روش تحقیق

این مطالعه تحلیلی نوع خاصی از مطالعات همبستگی، به نام مطالعه طولی تقاطعی یا قطری (cross-lagged panel study) است.

این نوع مطالعه شبیه مطالعه هم‌گروهی است که در آن می‌دانید متغیرهایی همبسته‌اند، اما نمی‌دانید کدام مستقل و کدام وابسته است. لذا در هر دو مقطع هر دو را می‌سنجید و سپس نتایج همبستگی‌ها، سمت رابطه علیت را برایتان روشن می‌کنند (رفیعی و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۴۱).

۳-۱) جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و روش گردآوری اطلاعات

در این تحقیق جامعه آماری کل کشورهای جهان است. برای انتخاب نمونه‌هایی برای مطالعه به کشورهایی نیاز داشتیم که در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ به این آمارها دسترسی داشته باشند:

- میزان کار کودک؛
- سن امید به زندگی؛
- میزان کودکان کم وزن زیر ۵ سال؛
- میزان جمعیت دارای درآمد زیر ۱ دلار در روز؛
- میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی دسترسی دارند؛
- میزان جمعیت باسواد بالای ۱۵ سال؛
- ضریب جینی.

نمونه‌های مورد نظر پژوهش با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به روش نمونه‌گیری، معیارهای انتخاب نمونه و مراجعه به سایت سازمان‌های بین‌المللی کار، بین‌المللی بهداشت، یونیسف، برنامه توسعه ملل متحد، مرکز آمار ایران و نیز مطالعه گزارش‌های توسعه انسانی (HDI) و توسعه اجتماعی (SDI) در سال‌های مورد مطالعه (۲۰۰۶ و ۲۰۰۰)، فقط در ۳۴ کشور آمارهای مورد نیاز این پژوهش به‌طور رسمی اعلام شده بود.

برای انتخاب شاخص‌های توسعه اجتماعی به پژوهشی که در چهارمین کنفرانس رهیافت قابلیت؛ ارتقاء تأمین انسانی در سال ۲۰۰۴ در دانشگاه پابو ایتالیا و با عنوان «شاخص توسعه اجتماعی به مثابه شاخص قابلیت» ارائه شد، استناد کردیم (www.unipv.it) (March 2008). یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی که در این پژوهش از آن استفاده شد، سن امید به زندگی است. اما برای انجام محاسبات آماری مثل دیگر شاخص‌ها به میزان (درصد) نیاز داشتیم. بنابراین برای تبدیل سن خام امید به زندگی به میزان امید به زندگی، ۸۵ سال را به عنوان بالاترین سن امید به زندگی در جهان، که مربوط

به کشور ژاپن است، در نظر گرفتیم. سپس با تقسیم سن امید به زندگی انسان‌ها در کشورهای مورد مطالعه بر ۸۵، عدد خامی به دست آمد که با ضرب آن عدد در ۱۰۰ میزان امید به زندگی را به دست آوردیم.

$$100 \times [85 \div \text{سن امید به زندگی}] = \text{میزان امید به زندگی}$$

به دلیل این‌که سه شاخص؛ کودکان کم وزن زیر پنج سال، جمعیت دارای درآمد زیر یک دلار در روز و ضریب جینی، شاخص‌های منفی به‌شمار می‌روند، مقدار عددی این سه شاخص را از عدد یک کم کردیم تا تبدیل به شاخصی مثبت شوند.

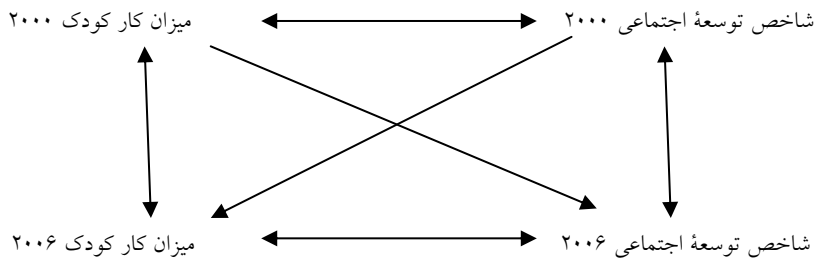
برای تعیین مقدار عددی شاخص توسعه اجتماعی کشورها، میزان شاخص‌های شش‌گانه توسعه اجتماعی منتخب در این پژوهش (امید به زندگی، کودکان کم وزن زیر پنج سال، جمعیت دارای درآمد زیر یک دلار در روز، جمعیت شهری که به آب آشامیدنی دسترسی دارند، جمعیت باسواد بالای ۱۵ سال، ضریب جینی) را با هم جمع و عدد حاصل را تقسیم بر تعداد شاخص‌ها (شش) کردیم. بدین ترتیب میانگین یا مقدار عددی شاخص توسعه اجتماعی را برای هر کشور در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ به دست آوردیم.

متأسفانه در مورد تعداد کودکان کار یا میزان کار کودک در ایران هیچ‌گونه آمار رسمی در دست نیست. لذا به ناچار در این مطالعه منبع آماری برای تعیین میزان کار کودک در ایران با منبعی که آمار کار کودک در کشورهای دیگر را نشان می‌دهد، متفاوت است. به این منظور برای تعیین میزان کار کودکان ایرانی در سال ۲۰۰۰ به کتاب *کودکان کار و خیابان* نوشته سید حسن حسینی رجوع کردیم که وی آن را ۱/۳ درصد ثبت کرده است. سعید مدنی، فعال اجتماعی و فعال حقوق کودک، در مصاحبه‌ای با سایت دویچه وله تعداد کودکان کار ۱۴-۵ ساله ایران را در سال ۱۳۸۵ [۲۰۰۶ میلادی] حدود ۱۴۵۴۰۰۰ نفر اعلام کرده است (مدنی، ۱۳۸۷: به نقل از سایت دویچه‌وله (www.dw_world.de/dw/article) (May 2009)). مرکز آمار ایران نیز در سرشماری ۱۳۸۵ تعداد کل کودکان ۱۴-۵ ساله را در کشور ۱۲۲۱۷۶۵۱ نفر گزارش کرده است. بر اساس این آمار و ارقام، میزان کودکان کار ایران را در سال ۱۳۸۵ [۲۰۰۶ میلادی]، برابر با ۱۲ درصد در نظر گرفتیم.

۳-۳) روش تحلیل داده‌ها

برای بررسی ارتباط داده‌های دو مقوله، کار کودک و توسعه اجتماعی از روش همبستگی تقاطعی و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. ارتباط داده‌های مربوط به سال پایه مطالعه (میزان کار کودک و شاخص توسعه اجتماعی) با همین داده‌ها در دوره زمانی تعیین شدند. سپس تحلیل کردیم که آیا تغییر (کاهش یا افزایش) در میزان کار کودک با تغییر (کاهش یا افزایش) در شاخص توسعه اجتماعی آن کشور همراه بوده است یا خیر؟ و جهت این تغییر چگونه است، مستقیم یا معکوس؟ تغییر در کدام یک، تغییر در دیگری را بهتر تبیین می‌کند؟

به‌طور کلی برای آزمون همبستگی شاخص توسعه اجتماعی و میزان کار کودک در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ نیز مدل زیر طراحی شد:



۴) یافته‌ها

جدول شماره ۲ شاخص‌های توسعه اجتماعی که کشورهای مورد مطالعه، جدول شماره ۳ تغییر کار کودک و جدول شماره ۴ تغییرات شاخص توسعه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۲: شاخص‌های توسعه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶

کشور	SDI		امید به زندگی (سال)		میزان کودکان کم‌وزن کمتر از ۵ سال (%)		میزان جمعیت با درآمد زیر یک دلار در روز (%)		میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند (%)		میزان جمعیت باسواد بالای ۱۵ سال (%)		ضریب جینی (%)	
	۲۰۰۶	۲۰۰۰	۲۰۰۶	۲۰۰۰	۲۰۰۶	۲۰۰۰	۲۰۰۶	۲۰۰۰	۲۰۰۶	۲۰۰۰	۲۰۰۶	۲۰۰۰	۲۰۰۶	۲۰۰۰
ایران	۶۹	۶۹	۱۱	۱۱	۲	۲	۱۱	۱۱	۹۴	۹۵	۸۲/۴	۷۶/۳	۴۳	۴۳
مغولستان	۶۳	۶۳	۷	۱۳	۱۱	۱۳/۹	۷	۱۳	۶۲	۶۰	۹۷/۸	۹۸/۹	۳۲/۸	۳۲/۸
مالاوی	۴۰	۴۰	۲۲	۲۵	۲۱	۲۴	۲۲	۲۵	۷۳	۵۷	۶۴/۱	۶۰	۳۹	۳۹
بنگلادش	۵۹	۵۹	۶۱	۴۸	۴۱	۲۹/۱	۶۱	۴۸	۷۴	۹۷	۴۷/۵	۴۱/۳	۳۳/۴	۳۳/۴
گامبیا	۴۶	۴۶	۲۴	۱۷	۵۹	۵۹/۳	۲۴	۱۷	۸۲	۶۲	۳۷	۳۶/۶	۵۰/۲	۵۰/۲
بولیوی	۶۲	۶۲	۹	۱۰	۲۳	۱۴/۴	۹	۱۰	۸۵	۷۹	۸۶/۷	۸۵/۵	۵۹/۲	۶۰/۱
کامرون	۵۰	۵۰	۲۴	۲۱	۱۷	۳۳/۴	۲۴	۲۱	۶۶	۶۲	۶۷/۹	۷۵/۸	۴۴/۶	۴۴/۶
آفریقای مرکزی	۴۴	۴۴	۳۷	۲۴	۶۷	۶۶	۳۷	۲۴	۷۵	۶۰	۴۸/۶	۴۶/۷	۶۱/۳	۶۱/۳
کلمبیا	۷۱	۷۱	۸	۷	۷	۱۹/۷	۸	۷	۹۳	۹۱	۹۲/۸	۹۱/۷	۵۸/۶	۵۸/۶
کاستاریکا	۷۶	۷۶	۵	۵	۳	۱۲/۶	۵	۵	۹۷	۹۸	۹۴/۹	۹۵/۶	۴۹/۸	۴۹/۸
دومینیکن	۶۷	۶۷	۶	۵	۳	۳/۲	۶	۵	۹۵	۷۹	۸۳/۶	۸۳/۶	۵۱/۶	۴۷
مصر	۶۷	۶۷	۷	۱۲	۳	۳/۱	۷	۱۲	۹۸	۹۵	۷۱/۴	۵۵/۳	۳۴/۴	۳۴/۴
اتیوپی	۴۴	۴۴	۴۹	۴۷	۲۳	۳۱/۲	۴۹	۴۷	۲۲	۲۴	۳۵/۹	۳۹/۱	۳۰	۳۰
غنا	۵۷	۵۷	۲۱	۲۵	۴۵	۴۴/۸	۲۱	۲۵	۷۵	۶۴	۵۷/۹	۷۱/۵	۴۰/۸	۴۰
گواتمالا	۶۵	۶۵	۲۷	۲۴	۱۴	۱۰	۲۷	۲۴	۹۵	۹۲	۶۹/۱	۶۸/۶	۵۵/۱	۵۵/۱
هند	۶۳	۶۳	۵۹	۴۷	۳۴	۴۴/۲	۵۹	۴۷	۸۸	۸۸	۶۱	۵۷/۲	۳۶/۸	۳۶/۸
کنیا	۵۱	۵۳	۲۴	۲۳	۲۳	۲۶/۵	۲۴	۲۳	۶۱	۴۹	۷۳/۶	۸۲/۴	۴۲/۵	۴۴/۵

ادامه جدول ۲

۶۳/۲	۶۳/۲	۸۲/۲	۸۳/۴	۹۷	۹۱	۳۶	۴۳/۱	۲۴	۱۶	۴۲	۴۵	لسوتو
۴۰/۱	۴۰/۱	۲۴	۴۱/۵	۵۰	۶۵	۳۶	۷۲/۸	۴۴	۴۳	۵۴	۵۱	مالی
۵۶/۱	۵۶/۱	۹۱/۹	۹۱/۹	۹۰	۸۷	۷	۱۴	۸	۷	۷۵	۷۴	پاناما
۵۸/۴	۵۸	۹۳/۵	۹۳/۳	۸۶	۷۹	۱۴	۱۹/۵	۵	۵	۷۱	۷۰	پاراگوئه
۵۲	۵۲	۸۷/۹	۸۹/۹	۸۳	۷۷	۱۱	۱۵/۵	۸	۸	۷۱	۶۹	پرو
۴۶/۸	۴۶/۸	۶۴/۹	۶۶/۸	۷۴	۴۱	۶۰	۳۵/۷	۲۷	۲۹	۴۶	۴۰	رواندا
۴۱/۳	۴۱/۳	۳۹/۳	۳۷/۳	۷۶	۷۸	۱۷	۲۶/۳	۲۰	۱۸	۶۳	۵۳	سنگال
۶۲/۹	۶۲/۹	۳۴/۸	۳۶	۵۷	۲۸	۵۷	۵۷	۳۸	۲۷	۴۲	۳۹	سیرالئون
۴۰/۲	۴۰/۲	۹۰/۷	۹۱/۶	۷۹	۸۳	۶	۶/۶	۲۹	۳۳	۷۲	۷۲	سری لانکا
۳۴/۶	۳۴/۶	۶۹/۴	۷۵/۱	۶۲	۵۴	۵۸	۱۹/۹	۲۶	۲۹	۵۲	۵۱	تانزانیا
۳۸/۹	۳۸/۹	۹۸/۴	۹۳/۸	۹۱	۸۶	۱۲	۱۲/۴	۷	۷	۶۹	۷۴	ترینیداد و توباگو
۴۳/۶	۴۳/۶	۸۷/۴	۸۵/۱	۹۶	۸۳	۳	۲/۴	۵	۸	۷۲	۷۰	ترکیه
۴۶	۵۳/۶	۹۱	۹۱/۶	۹۴	۷۱	۸	۲۰/۲	۱۰	۱۵	۷۵	۷۰	اکوادور
۵۳/۸	۵۳/۸	۸۰	۷۴/۶	۸۷	۹۰	۱۵	۲۴/۳	۱۲	۲۵	۷۰	۶۶	هندوراس
۴۵/۵	۴۵/۵	۷۹/۹	۸۶/۹	۹۳	۷۱	۲	۳/۲	۴	۴	۷۲	۷۵	جامائیکا
۵۴/۹	۵۴/۹	۹۵/۷	۹۵/۸	۹۵	۹۴	۲	۲	۱	۱	۷۸	۷۵	شیلی
۴۲	۴۱	۹۲/۶	۹۵/۵	۹۹	۸۰	۲	۲	۹	۱۹	۷۰	۷۰	تایلند

جدول ۳: تغییر میزان (درصد) کار کودک در کشورهای مورد مطالعه بین سال‌های

۲۰۰۰ - ۲۰۰۶

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۶	∂ (تغییر)	$\beta = \partial/B$
ایران	*۱/۳	**۱۲	۱۰/۷	۸/۲۳
مغولستان	۲۱/۳	۱۸/۱	-۳/۲	-۰/۱۵
مالاوی	۲۵/۱	۲۶	۰/۹	۰/۰۳
بنگلادش	۱۳/۴	۱۲/۸	-۰/۶	-۰/۰۴
گامبیا	۲۴/۸	۲۴/۷	-۰/۱	-۰/۰۰۴
بولیوی	۲۳/۷	۲۲	-۱/۷	-۰/۰۷
کامرون	۲۵/۷	۳۱	۵/۳	۰/۲۰
آفریقای مرکزی	۶۱/۱	۴۷	-۱۴/۱	-۰/۲۳
کلمبیا	۱۰/۴	۵	-۵/۴	-۰/۵۱
کاستاریکا	۶	۵	-۱	-۰/۱۶
جمهوری دومینیکن	۱۰/۸	۱۰	-۰/۸	-۰/۰۷
مصر	۱/۷	۷	۵/۳	۳/۱۱
اتیوپی	۴۹/۷	۵۳	۳/۳	۰/۰۶
غنا	۴۲/۲	۳۴	-۸/۲	-۰/۱۹
گواتمالا	۱۶/۱	۲۹	۱۲/۹	۰/۸۰
هند	۴/۲	۱۲	۷/۸	۱/۸۵
کنیا	۳۵	۲۶	-۹	-۰/۲۵
لسوتو	۲۸/۱	۲۳	-۵/۱	-۰/۱۸
مالی	۲۱/۴	۳۴	۱۲/۶	۰/۵۸
پاناما	۳/۳	۳	-۰/۳	-۰/۰۹
پاراگوئه	۶/۵	۱۵	۸/۵	۱/۳۰

ادامه جدول ۳

۰/۱۴-	۳/۲-	۱۹	۲۲/۲	پرو
۰/۲۸	۷/۷	۳۵	۲۷/۳	روآندا
۰/۰۶-	۱/۵-	۲۲	۲۳/۵	سنگال
۰/۳۰-	۲۱/۱-	۴۸	۶۹/۱	سیرالئون
۰/۴۶-	۷-	۸	۱۵	سری لانکا
۰/۰۱	۰/۶	۳۶	۳۵/۴	تانزانیا
۷/۱-	۲/۵-	۱	۳/۵	ترینیداد و توباگو
۰/۱۹	۰/۸	۵	۴/۲	ترکیه
۰/۲۲-	۳/۴-	۱۲	۱۵/۴	اکوادور
۰/۶۳	۵/۸	۱۶	۹/۲	هندوراس
۵/۶۶	۵/۱	۶	۰/۹	جامائیکا
۰/۱۴-	۰/۵-	۳	۳/۵	شیلی
۰/۳۸-	۵-	۸	۱۳	تایلند

* منبع: سیدحسن حسینی، کودکان کار و خیابان/ ** منبع: سعید مدنی، سایت دویچه وله

میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ - میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶ = θ

نسبت تغییر میزان کار کودک از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ به سال پایه = β

جدول ۴: تغییر میزان (درصد) شاخص توسعه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه بین

سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۶

$\beta = \theta/B$	θ (تغییر)	۲۰۰۶	۲۰۰۰	کشور
۰/۰۱	۱/۱۹	۸۳/۹۰	۸۲/۷۱	ایران
۰/۰۲	۲/۱۴	۸۱	۷۸/۸۶	مغولستان
۰/۰۹	۵/۶۹	۶۸/۳۵	۶۲/۶۶	مالاوی
۰/۰۹-	۶/۱۲-	۶۰/۰۱	۶۶/۱۳	بنگلادش
۰/۰۸	۴/۷۸	۵۹/۱۳	۵۴/۳۵	گامبیا
۰/۰۰۹	۰/۷۵	۷۶/۰۸	۷۵/۳۳	بولیوی

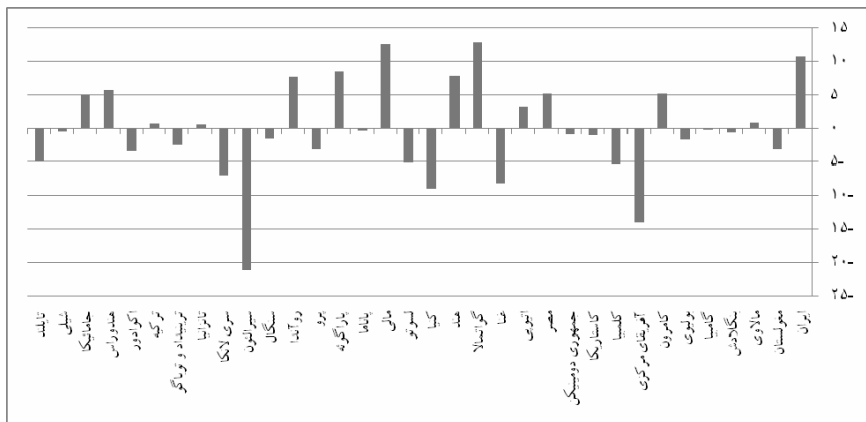
ادامه جدول ۴

۰/۰۲	۱/۵۸	۶۷/۷۱	۶۶/۱۳	کامرون
۰/۰۰۹	۰/۴۹	۵۱/۵۵	۵۱/۰۶	آفریقای مرکزی
۰/۰۳	۲/۸	۸۲/۸۶	۸۰/۰۶	کلمبیا
۰/۰۲	۱/۸۲	۸۷/۶۸	۸۵/۸۶	کاستاریکا
۰/۰۴	۳/۳۳	۸۴/۲۳	۸۰/۹۰	جمهوری دومینیکن
۰/۰۸	۶/۳۶	۸۴/۶۶	۷۸/۳۰	مصر
۰/۰۳	۱/۸۳	۵۲/۸۱	۵۰/۹۸	اتیوپی
۰/۰۰۶	۰/۴	۶۵/۸۵	۶۵/۴۵	غنا
۰/۰۰۵	۰/۴۲	۷۵	۷۴/۵۸	گواتمالا
۰/۰۰۲	۰/۱۶	۶۵/۳۶	۶۵/۲۰	هند
۰/۰۲	۱/۶۲	۶۷/۸۵	۶۶/۲۳	کنیا
۰/۰۰۲	۰/۱۵	۶۷/۵۰	۶۷/۳۵	لسوتو
۰/۰۶	۳/۳۸	۵۲/۸۱	۴۹/۴۳	مالی
۰/۰۲	۱/۶۷	۸۳/۱۳	۸۱/۴۶	پاناما
۰/۰۲	۲/۲۲	۸۰/۸۵	۷۸/۶۳	پاراگوئه
۰/۰۲	۱/۷۵	۸۰/۴۸	۷۸/۷۳	پرو
۰/۰۴	۲/۶۴	۵۹/۸۵	۵۷/۲۱	رواندا
۰/۰۷	۴/۸۹	۶۸/۵۰	۶۳/۶۱	سنگال
۰/۰۵	۲/۴۷	۴۷/۱۵	۴۴/۶۸	سیرالئون
-۰/۰۰۰۶	-۰/۰۵	۷۹/۷۵	۷۹/۸۰	سری لانکا
-۰/۰۷	-۵/۳	۶۲/۳۰	۶۷/۶۰	تانزانیا
۰/۰۰۷	۰/۶۶	۸۵/۴۱	۸۴/۷۵	ترینیداد و توباگو
۰/۰۳	۳/۲۸	۸۵/۹۶	۸۲/۶۸	ترکیه
۰/۱۱	۸/۸۷	۸۴/۸۳	۷۵/۹۶	اکوادور
۰/۰۶	۴/۹۳	۷۸/۰۳	۷۳/۱۰	هندوراس
۰/۰۴	۳/۷	۸۴/۲۳	۸۰/۵۳	جامائیکا
۰/۰۰۷	۰/۶۵	۸۷/۳۰	۸۶/۶۵	شیلی
۰/۰۵	۴/۱۸	۸۶/۷۶	۸۲/۵۸	تایلند

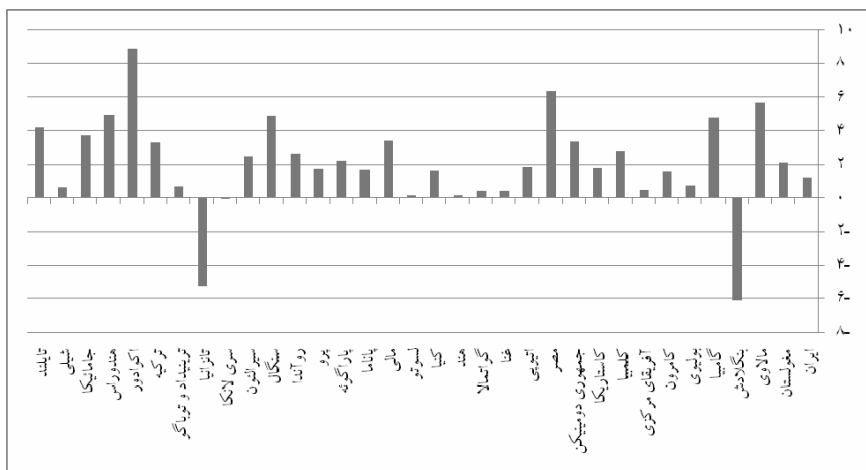
شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۰- شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶ = β

نسبت تغییر شاخص توسعه اجتماعی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ به سال پایه = β

نمودار ۱: تغییرات کار کودک در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ - ۲۰۰۶



نمودار ۲: تغییرات شاخص توسعه اجتماعی در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ - ۲۰۰۶



جدول شماره ۵ نتیجه آزمون، همبستگی بین متغیرهای میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ (CL2000) با شش شاخص توسعه اجتماعی در نظر گرفته شده در این پژوهش در سال ۲۰۰۰ (میزان امید به زندگی در بدو تولد، میزان باسوادی بالای ۱۵ سال، میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی دسترسی دارند، ضریب جینی، میزان کودکان کم وزن زیر پنج سال، میزان جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز) را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای میزان کار کودک و شاخص‌های توسعه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۰۰

میزان سن امید به زندگی ۲۰۰۰	میزان باسوادی بالای ۱۵ سال ۲۰۰۰	میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند ۲۰۰۰	ضریب جینی ۲۰۰۰	میزان کودکان کم وزن کمتر از پنج سال ۲۰۰۰	میزان جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز ۲۰۰۰
۰/۸۱۲**	۰/۵۲۷**	۰/۷۶۹**	۰/۱۲۷	۰/۴۰۳*	۰/۶۲۹**

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

۱) بین میزان کار کودک و میانگین سن امید به زندگی (در سال ۲۰۰۰) همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0/01, r = - 0/81$) و جهت همبستگی نیز منفی است. یعنی هرچه سن امید به زندگی بالاتر باشد، میزان کار کودک پایین است.

۲) بین میزان کار کودک و میزان باسوادی بزرگسالان بالاتر از ۱۵ سال (در سال ۲۰۰۰) همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0/01, r = - 0/52$) و جهت همبستگی نیز منفی است. یعنی هرچه میزان باسوادی بزرگسالان بالاتر از ۱۵ سال بیشتر باشد، میزان کار کودک کمتر است.

۳) بین میزان کار کودک و میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی دسترسی دارند (در سال ۲۰۰۰) همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0/01, r = - 0/76$) و جهت همبستگی نیز منفی است. یعنی هرچه میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی دسترسی دارند بیشتر باشد، میزان کار کودک کمتر است.

۴) بین میزان کار کودک و مقدار ضریب جینی (در سال ۲۰۰۰) همبستگی معناداری وجود ندارد.

۵) بین میزان کار کودک و میزان کودکان کم‌وزن زیر پنج سال (در سال ۲۰۰۰) همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0/05, r = - 0/40$) و جهت همبستگی نیز مثبت است. یعنی هرچه میزان کودکان کم وزن زیر پنج سال کمتر باشد، میزان کار کودک نیز کمتر است.

۶) بین میزان کار کودک و میزان افرادی که درآمد کمتر از یک دلار در روز دارند (در سال ۲۰۰۰) همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0.01, r = 0.62$) و جهت همبستگی نیز مثبت است. یعنی هرچه میزان افرادی که درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند کمتر باشد، میزان کار کودک نیز کمتر است.

جدول شماره ۶ نیز نتیجه آزمون همبستگی بین متغیرهای میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶ (CL2006) با ۶ شاخص توسعه اجتماعی در نظر گرفته شده در این پژوهش در سال ۲۰۰۶ (میزان امید به زندگی در بدو تولد، میزان باسوادی بالای ۱۵ سال، میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی دسترسی دارند، ضریب جینی، میزان کودکان کم وزن زیر پنج سال، میزان جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز) را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای میزان کار کودک و شاخص‌های توسعه

اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۰۶

میزان جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز ۲۰۰۶	میزان کودکان کم وزن کمتر از پنج سال ۲۰۰۶	ضریب جینی ۲۰۰۶	میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند ۲۰۰۶	میزان باسوادی بالای ۱۵ سال ۲۰۰۶	میزان سن امید به زندگی ۲۰۰۶	میزان کار کودک ۲۰۰۶
۰/۷۳۶**	۰/۵۷۸**	۰/۰۱۰	-۰/۷۷۲**	-۰/۷۳۰**	-۰/۸۴۳**	

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

۱) بین میزان کار کودک و میانگین سن امید به زندگی (در سال ۲۰۰۶) همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0/01, r = - 0/84$) و جهت همبستگی نیز منفی است. یعنی هرچه سن امید به زندگی بیشتر باشد، میزان کار کودک کمتر است.

۲) بین میزان کار کودک و میزان باسوادی بزرگسالان بالاتر از ۱۵ سال (در سال ۲۰۰۶) همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0/01, r = - 0/73$) و جهت همبستگی نیز منفی است. یعنی هرچه میزان باسوادی بزرگسالان بالاتر از ۱۵ سال بیشتر باشد، میزان کار کودک کمتر است.

۳) بین میزان کار کودک و میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی دسترسی دارند (در سال ۲۰۰۶) همبستگی معناداری وجود دارد ($P < 0/01, r = - 0/77$) و جهت همبستگی نیز منفی است. یعنی هرچه میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی دسترسی دارند بیشتر باشد، میزان کار کودک کمتر است.

۴) بین میزان کار کودک و مقدار ضریب جینی (در سال ۲۰۰۶) همبستگی معناداری وجود ندارد.

۵) بین میزان کار کودک و میزان کودکان کم وزن زیر پنج سال (در سال ۲۰۰۶) همبستگی معناداری وجود دارد. ($P < 0/01$, $r = 0/57$) و جهت همبستگی نیز مثبت است. یعنی هرچه میزان کودکان کم وزن زیر پنج سال کمتر باشد، میزان کار کودک نیز کمتر است.

۶) بین میزان کار کودک و میزان افرادی که درآمد کمتر از یک دلار در روز دارند (در سال ۲۰۰۶) همبستگی معناداری وجود دارد ($P < 0/01$, $r = 0/73$) و جهت همبستگی نیز مثبت است. یعنی هرچه میزان افرادی که درآمد کمتر از یک دلار در روز دارند کمتر باشد، میزان کار کودک نیز کمتر است.

جدول ۷: میانگین و انحراف استاندارد میزان کار کودک و شاخص توسعه اجتماعی در

کشورهای مورد مطالعه در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد نمونه
میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰	۲۰/۳۵۲۹	۱۷/۴۶۹۴۸	۳۴
میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶	۱۹/۷۵۰۰	۱۴/۰۲۲۴۷	۳۴
شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۰	۷۱/۱۶۲۹	۱۱/۷۰۳۹۳	۳۴
شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶	۷۳/۲۰۲۱	۱۲/۱۴۹۱۵	۳۴

در سال ۲۰۰۰، شاخص توسعه اجتماعی و میزان کار کودک با یکدیگر همبستگی معنادار دارند ($P < 0.01$, $r = -0.78$) و به اندازه ۶۰/۸۴ درصد یکدیگر را تبیین می‌کنند. در سال ۲۰۰۶، شاخص توسعه اجتماعی و میزان کار کودک با یکدیگر همبستگی معنادار ندارد و به اندازه ۷۵/۶۹ درصد یکدیگر را تبیین می‌کنند ($P < 0.01$, $r = -0.87$). شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶ با شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۰ همبستگی معنادار دارد ($P < 0.01$, $r = 0.97$). ۹۴/۰۹ درصد از شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶ را، شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۰ تبیین می‌کند.

میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶ با میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ همبستگی معنادار دارد ($P < 0.01, r = 0.88$).

۷۷/۴۴ درصد از میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶ را، میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ تبیین می‌کند.

شاخص توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۶ با میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ همبستگی معنادار دارد ($P < 0.01, r = -0.78$). ۶۰/۸۴ درصد از شاخص توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۶ را، میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ تبیین می‌کند.

شاخص کار کودک در سال ۲۰۰۶ با شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۰ همبستگی معنادار دارد ($P < 0.01, r = -0.87$). ۷۵/۶۹ درصد از میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶ را شاخص توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۰ تبیین می‌کند.

۵) بحث و نتیجه‌گیری

بین کار کودک و توسعه و رفاه اجتماعی ارتباط همبستگی منفی برقرار است. یعنی هرچه یک جامعه توسعه‌یافته‌تر باشد میزان کار کودک در آن جامعه کمتر است و برعکس. چنان‌که در مطالعه (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۵) نیز ارتباط معکوس کار کودک و شاخص توسعه انسانی نشان داده شده است. اما پاسخ به این سوال که کدامیک از این دو متغیر بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند - در واقع پی بردن به جهت این همبستگی - نیاز به پژوهش و مطالعات دقیق‌تر دارد.

کشورهایی که در این مطالعه در سال ۲۰۰۰ از توسعه اجتماعی مطلوبی برخوردار بوده‌اند، در سال ۲۰۰۶ نیز شاخص توسعه اجتماعی آن‌ها بالا بوده است. این یافته روابط متقاطع در سال‌های مختلف را نیز نشان می‌دهد. بنابراین این موضوع که توسعه و رفاه اجتماعی پروسه‌ای بلندمدت است تأیید می‌شود. در واقع باید بپذیریم که دستیابی به توسعه اجتماعی گام نهادن در یک مسیر طولانی است و هدفی نیست که یک شبه و در لحظه محقق شود. مفهوم توسعه و رفاه اجتماعی بسیار فراتر از تعدادی برنامه و سیاست دولتی مقطعی در سطح ملی و محلی است. توسعه اجتماعی فرایندی است که همیشه و در طول

زمان جاری است یا دست کم باید باشد. در این مطالعه نیز می‌بینیم کشورهایی در سال ۲۰۰۶ از وضعیت توسعه اجتماعی بهتری برخوردارند که ۶ سال پیش یعنی در سال ۲۰۰۰ وضعیت توسعه اجتماعی نسبتاً خوبی داشته‌اند.

از بین شاخص‌های شش‌گانه توسعه اجتماعی که در این پژوهش از آن‌ها استفاده کردیم، سه شاخص سن امید به زندگی، میزان جمعیت شهری که به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند و میزان جمعیت باسواد بالای ۱۵ سال، با میزان کار کودک ارتباط منفی و معنادار داشته و دو شاخص میزان کودکان کم وزن زیر پنج سال و میزان جمعیت دارای درآمد کمتر از یک دلار در روز با میزان کار کودک ارتباط مثبت و معنادار دارند. روشن است که این شاخص‌ها در جوامع و خانواده‌های فقیر وضع مطلوبی ندارند و بنابراین با وجود ارتباط مستقیم آن‌ها با میزان کار کودک، نتیجه، نگران‌کننده‌تر بودن وضع کار کودکان در این جوامع است؛ از این رو فرضیه کودکان به‌مثابه دارایی خانواده و فرضیه فقر، که هر دو دلیل کار کودک را فقر می‌دانند، تأیید می‌شود. اما هیچ ارتباطی بین شاخص ضریب جینی با میزان کار کودک به دست نیامد که البته قابل توجیه است. برای مثال ضریب جینی کشور فقیر و توسعه‌نیافته‌ای مثل اتیوپی بسیار نزدیک به کشورهای توسعه‌یافته است (اتیوپی ۳۰، نروژ ۲۵/۸، استرالیا ۳۵/۲، کانادا ۳۲/۶، فرانسه ۳۲/۷، سوئیس ۳۳/۷). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری درآمدی منجر به کار کودک نمی‌شود بلکه این فقر است که با کار کودک ارتباط معنادار دارد. پس در طراحی برنامه‌های پیشگیری از کار کودک، سیاست‌هایی با هدف برابری درآمد در بین افراد جامعه نتیجه‌بخش نیست و به نظر می‌رسد که برای ریشه‌کنی کار کودک باید ثروت و درآمد خانواده‌های فقیر را بالا ببریم - در واقع باید رفاه اجتماعی را در جامعه افزایش دهیم. از سوی دیگر توجه ویژه به این پنج شاخص در برنامه‌ریزی‌های کلان برای دستیابی به توسعه اجتماعی، می‌تواند در کاهش کار کودک تأثیرگذار باشد.

در این پژوهش هر دو رابطه (یعنی ارتباط میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ با شاخص توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۶ و نیز ارتباط شاخص توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۰ با میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶) معنادار بودند. اما ممکن است روابط فوق به دلیل خودهمبستگی پدید

آمده باشند. بنابراین باید با کنترل خودهمبستگی ارتباط میزان کار کودک و شاخص توسعه اجتماعی را بررسی کرد. یا این که با به دست آوردن داده‌های سال‌های میانی (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶) و آزمون گرنجر جهت رابطه همبستگی میزان کار کودک و شاخص توسعه اجتماعی مشخص شود. در حال حاضر نمی‌توانیم با اطمینان اعلام کنیم که میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ به‌طور مستقیم بر شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶ یا شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۰ به‌طور مستقیم بر میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶ تأثیرگذار است. بلکه این روابط به‌طور غیرمستقیم برقرار است؛ یعنی میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰، به دلیل داشتن ارتباط معنادار با شاخص توسعه اجتماعی همان سال (۲۰۰۰)، با شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶ نیز ارتباط غیرمستقیم برقرار می‌کند. برعکس، شاخص توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۰ نیز از طریق ارتباط مستقیمی که با میزان کار کودک در سال ۲۰۰۰ دارد، به‌طور غیرمستقیم بر میزان کار کودک در سال ۲۰۰۶ اثر می‌گذارد.

هرکدام از زمینه‌های توسعه‌نیافتگی می‌تواند بر پایین آمدن شاخص توسعه اجتماعی و بالارفتن میزان کار کودک تأثیرگذار باشد. چنان‌که پیشتر اشاره شد توسعه اجتماعی یکی از ابعاد مفهوم گسترده توسعه است و ارتباط نزدیکی با ابعاد دیگر توسعه دارد. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین دلایل کار کودک مشکلات معیشتی و فقر اقتصادی است. با وجود دیدگاه‌های رفاه‌گرا و مارکسیستی، که هر دو هدف توسعه اجتماعی را تأمین امنیت و رفاه اجتماعی می‌دانند، و نیز دیدگاه نظری دیگری که با ترکیب دیدگاه‌های فوق توسعه اجتماعی را در افزایش ظرفیت و توانایی مردم برای فعالیت مداوم در جهت تأمین رفاه خود و جامعه به عنوان عامل درونی می‌داند و توسعه و تحول نهادهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای مردم در تمام سطوح، به خصوص سطوح پایین را به عنوان عامل بیرونی، دو بعد اصلی توسعه اجتماعی تلقی می‌کند، درمی‌یابیم که مبارزه با کار کودک و رسیدن به هدف آرمانی ریشه‌کنی کامل آن درگرو مبارزه جدی با فقر خانواده‌ها و جوامع است. بدین‌گونه می‌توان مدعی شد که توسعه اجتماعی در جامعه تحقق یافته است در غیر این‌صورت با وجود فقر معیشتی و کودکان کارگر، ادعای برخورداری از جامعه‌ای با توسعه اجتماعی بالا یک شعار پوچ است.

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران، انتشارات علم.
- ازکیا، مصطفی و زیارتی، اسماعیل. (۱۳۸۰)، «فقر، آسیب‌پذیری و توسعه اجتماعی با تاکید بر جامعه روستایی ایران» (مطالعه موردی گرمسار)، **مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴)، **جامعه‌شناسی توسعه**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات کیهان.
- اکبری، غضنفر. (۱۳۸۰)، «وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی»، **مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴)، «جهانی‌سازی و توسعه اجتماعی»، **مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران**، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- تودارو، مایکل. (۱۳۸۶)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم** (ترجمه غلامعلی فرجادی)، چاپ پانزدهم، تهران، کوهسار.
- جبباری، حبیب. (۱۳۸۰)، «مشارکت و توسعه اجتماعی»، **مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۵)، **کودکان کار و خیابان**، تهران، نشر سلمان.
- رفیعی، حسن و مدنی، سعید. (۱۳۸۰)، «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های توسعه و رفاه اجتماعی در ایران»، **مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رفیعی، حسن و همکاران. (۱۳۸۷)، **روش‌های تحقیق بین رشته‌ای در اعتیاد**، تهران، نشر دانژه.
- صفایی، منیژه و ناظم، نازفر. (۱۳۸۶)، **کار کودکان**، تهران، موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳)، **طرح مسائل اجتماعی در ایران، اهداف و ضرورت‌ها، مسائل اجتماعی ایران**، تهران، آگه.
- کلانتری، صمد و کیانی، مژده. (۱۳۸۵)، «بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان رو به توسعه»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۲۳۲-۲۳۱**، آذر و دی ۸۵، تهران، موسسه اطلاعات.
- مرتون، رابرت. (۱۳۸۵)، **مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی** (ترجمه نوین

- تولانی، تهران، امیرکبیر.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۸۷)، مصاحبه دربارهٔ کودکان کار در ایران .
www.dw-world.de/dw/article (May 2009).
- ناطق پور، محمدجواد. (۱۳۸۶)، رویکردی نو در آسیب‌شناسی اجتماعی از نگاه توسعه، تهران، نشر سلمان.
- نراقی، یوسف. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی و توسعه، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- وامقی، مروّنه. (۱۳۸۲)، «کار کودک، مفاهیم و رویکردها»، فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۸، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- یزدانی، فرشید. (۱۳۸۸)، «تعداد کودکان کار افزایش یافت»، روزنامه اعتماد، سال هفتم، شماره ۱۹۴۰، ص ۱۴، (۸۸/۲/۱۲).
- روزنامهٔ اعتماد، ۱۳۸۷/۷/۲۰.
- Hilowitz, J., Kooijmans, J., Matz, P, Dorman, P, De Kock, M., & Alectus, M.(2004). Child Labour A textbook for university students, First published, Geneva. ILO
- ILO.(2002). A Future Without Child Labour. Global Report under the Follow-up to the ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work. Report I (B). First published, Geneva. ILO. www.ilo.org (May 2008)
- Matsui, N.(2004). Social Development Index as Capability Proxy: An Illustration of South and East Asia, (paper to be presented at the 4th International Conference on the Capability Approach "Enhancing Human Security", Italy, University of Pavia) www.unipv.it (March 2008)
- Srivastava, J.(2003). Child Labour in South Asia, Are Trade Sanctions the Answer? CUTS CENTRE FOR INTERNATIONAL TRADE, ECONOMICS & ENVIRONMENT. www.cuts.org (May 2008)
- www.ilo.org (April 2009)
- www.undp.org (March 2008)
- www.unicef.org (March 2008)
- www.who.int (April 2009)
- www.childinfo.com (June 2008)